



پیشینه فرهنگی، تاریخی روابط ایران با کردستان عراق از دوران قاجار تا معاصر

ایمان انوری پور^۱

چکیده

مردم اقلیم کردستان عراق امروزی که نژادی آریایی و اصالتی ایرانی دارند از ۸۰۰۰ هزار سال پیش بخشی از تاریخ و فرهنگ ایرانزمین محسوب می‌شوند و پیوستگی‌های زبانی، نژادی، دینی، سیاسی و اجتماعی با مردم و دولت‌های ایرانی خود را همواره تا به امروز حفظ کرده‌اند مردم و دولت‌های ایرانی نیز همواره این منطقه را بخشی از تاریخ و فرهنگ کهن خود می‌دانند و در تمام حوادث تلخ و شیرینی که برای آن‌ها رخ داده در کنار آن‌ها بوده‌اند. با به قدرت رسیدن صفویه در اوایل قرن ده هجری (۹۰۷ هجری) تا به امروزه (۱۳۹۸ انقلاب اسلامی ایران) در ایران، این منطقه نقش اساسی و کلیدی را در تحولات داخلی و روابط خارجی ایران با دولت‌های هم‌جوار عثمان، عراق، اسرائیل غاصب و فرا منطقه‌ای آمریکا و انگلیس ایفا کرده است و با وجود آنکه با ضعف برخی از دولت‌های ایرانی در گذشته از نظر سیاسی از حکومت مرکزی ایران جدا شده‌اند اما شاکله‌های ارتباطی خود با ایران را همچنان حفظ کرده‌اند به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران نسبت به اتفاقات و دخالت‌های دولت‌های دیگر در این منطقه همواره حامی این مردم بوده است و با حساسیت خاصی تحولات این منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهند هرچند کردستان عراق را بخشی از عراق واحد می‌داند و از ایجاد یک دولت مستقل کردنشین که باعث تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه شود استقبال نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایران، عراق، کردستان، فرهنگ، تاریخ

۱- مقدمه و بیان مسئله

روابط سیاسی، تاریخی و فرهنگی ایران با کشورهای همسایه در طول تاریخ این کشور از ارزش بالایی برخوردار بوده است باروی کار آمدن حکومت صفویه و شکل‌گیری دولت‌های ملی در ایران تا دوره معاصر رخدادهای مهمی در عرصه جداناپذیری از ایران است و در این مدت رابطه‌ای تنگاتنگ در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، دینی،... با ایران داشته منطقه خودمختار کردستان عراق است. کردستان عراق (به کوردی: هه‌رئ‌می کوردستان) و به لاتین Herêmi Kurdistan یک منطقه خودمختار در بخش شمالی کشور عراق است؛ که از شرق با ایران از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز است و مرکز آن اربیل است. در منطقه کردستان عراق علاوه بر کُردها، اقلیت‌های آشوری، ترکمن، عرب،

^۱ کارشناسی ارشد، رشته‌ی جغرافیای سیاسی (M.Sc)، دانشگاه آزاد اسلامی، Iman.anvarypoor@gmail.com

کلدانی، ارمنی و غیره نیز زندگی می‌کنند. این منطقه به‌مثابه جغرافیای محل سکونت کردهای ایرانی تبار همواره و از نخستین سینه‌دمان تاریخ تا رویارویی صفویه با عثمانی‌ها در آوردگاه چالدران به سال ۹۲۰ هـ ق بخشی از سرزمین تحت سلطه فرمانروایان و پادشاهان ایرانی بوده است و تحولات مهمی را از سر گذرانده است. به طوری که با شکل‌گیری حکومت متمرکز صفویه در ایران به دوره‌ای از فترت و هرج و مرج سیاسی ناشی از فقدان حکومت مقتدر مرکزی در کردستان عراق پایان داده شد. در این میان امراء و سران کرد که بنا بر عادت و برحسب شرایط اقلیمی و طبیعی منطقه کردستان به صورت خودمختار و مستقل در مناطق مختلف کردستان به حکمروایی مشغول بودند، به آسانی حاضر به پذیرش روابط خارجی ایران با همسایگانش به وجود آمده است یکی از مهم‌ترین مناطقی که جزئی از فرهنگ و تاریخچه نظم جدید و اطاعت از حکومت‌های تازه تأسیس در ایران نبودند. این مسئله خود سبب ایجاد درگیری‌هایی میان امراء و سران کرد با دربار و حکومت‌های مرکزی در ایران شد علاوه بر آن شرایط ژئوپولوتیکی و موقعیت جغرافیایی کردستان یعنی واقع شدن در حدفاصل میان دو دولت متخاصم ایران و عثمانی سبب شد تا کردستان از همان آغاز شکل‌گیری منازعات میان دولت‌های ایران و عثمانی‌ها به جولانگاه جنگ و مبارزه تبدیل شود که این مسئله خود از طرفی زمینه‌های ویرانی و تباهی اوضاع اقتصادی در کردستان را فراهم آورد و از طرفی دیگر سبب رکود اوضاع فرهنگی و گسست در مناسبات اجتماعی شد. شرایط جغرافیایی و جبر ژئوپلیتیک موجب گردیده بود تا امراء و حکام این امیرنشینان به حکم ضرورت و برای فراهم نمودن امکان بقاء و تداوم حکمرانی خویش در این منازعات گاه به سود ایران و گاه در جهت مصالح و خواست عثمانی‌ها اعلام موضع نمایند و این مسئله زبان‌های فراوانی بر پیکره جغرافیایی فرهنگی و تاریخی کردستان تحمیل و روابط و مناسبات درونی قبایل و امراء کرد را نیز تحت تأثیر قرارداد و کار به جایی رسید که امراء فرمانروایان کرد و قبایل تحت سلطه آنان گاه بجای دولت‌های متخاصم در مقابل هم صف‌آرایی نمودند با این شرایط روابط ایران با این نقطه صرفاً به مسائل سیاسی محدود نمی‌شود؛ زیرا کردستان بخشی از هویت تاریخی، دینی و فرهنگی ایران است، جمع‌گیری از کردها امروزه در قلمرو ایران زندگی می‌کنند که از نظر دینی و نژادی با این منطقه پیوستگی دارند، بدین‌سان با توجه به اهمیت منطقه کردستان و ارتباطات فرهنگی، تاریخی، سیاسی و دینی که با کشور ایران دارد در پژوهش حاضر به بررسی پیشینه روابط فرهنگی، تاریخی ایران از زمان شکل‌گیری دولت صفویه در ایران تا دوره معاصر می‌پردازیم حوضه زمانی آن از آغاز شکل‌گیری حکومت صفویه یعنی سال ۹۰۷ هجری شمسی تا دوره شکل‌گیری جمهوری اسلامی می‌باشد.

۲- روش‌شناسی تحقیق:

موضوع پژوهش حاضر یک مسئله سیاسی است. در این‌گونه پژوهش‌ها شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است، بنابراین روش به کار گرفته‌شده روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای کتب و تحقیقات پیشین مطالعه کتابخانه‌ای اسناد دائره‌المعارف‌های گوناگون علمی پیشینه روابط تاریخی و فرهنگی ایران و کردستان است؛ که مرحله نخست آن جمع‌آوری اطلاعات داده‌ها، فیش‌برداری مطالب، مرحله‌ی بعدی نقد و بررسی مطالب و مرحله‌ی پایانی تجزیه و تحلیل و تدوین مطالب به صورت متنی منسجم است.

۳- ادبیات و سوابق تحقیق:

در رابطه با روابط ایران با منطقه خودمختار کردستان عراق در طول چهارصد سال گذشته (از زمان شکل‌گیری صفویه تا دوره معاصر) در حوزه علوم سیاسی تحقیق و پژوهش علمی جدی صورت نگرفته است هرچند در حوزه تاریخی چند کار کوچک صورت گرفته و به بررسی برخی از تحولات خاندان‌های که بر این منطقه حکومت می‌کردند تا حدی کوتاه توجه شده این درحالی که منابع مفید ولی اندک در این مورد به‌خصوص در ارتباط با خاندان‌های که در کردستان به قدرت رسیدند وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان نوشته میرزا شکر اله سنجدی، تاریخ اردلان نوشته مستوره اردلان و سیر الاکراد در تاریخ کردستان اثر عبدالقادر بن رستم بابانی اشاره کرد که این منابع به صورت روایی سرگذشت این منطقه را نقل و درباره آن‌ها بحث کرده‌اند.

از تحقیقات جدید که به برخی از زوایای منطقه کردستان پرداخته می‌توان کتابی با عنوان تاریخ فرهنگ و ادب مکریان از ابراهیم افخمی اشاره کرد که در آن مطالبی و اطلاعاتی به صورت عمومی گردآوری شده است البته این اثر به شیوه تحلیلی و علمی ارائه نشده است بعضی از محققان نیز به شاخه‌ای از عناصر فرهنگی توجه کرده‌اند از جمله آنان می‌توان به تاریخ تصوف در کردستان تألیف محمد رفوف توکلی اشاره کرد که طریقه‌های مهم مذهب تصوف را از ابتدای شکل‌گیری تا عصر حاضر مورد توجه قرار داده است در حوزه سیاسی روابط ایران و کردستان می‌توان به آثاری چون:

خاندان کرد اردلان در تلاقی امپراتوری‌های ایران و عثمانی تألیف شیرین اردلان همچنین چندین رساله با موضوعات ذیل اشاره کرد: رساله "اوضاع سیاسی کردستان در دوره صفویه اثرخانم لیلی صالحی بارانمایی دکتر مقصود علی صادقی بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی کردستان در دوره صفویه در این قسمت به معرفی و بررسی مهم‌ترین منابعی که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته‌اند پرداخته می‌شود که مهم‌ترین کتب تاریخی، سفرنامه‌ها و مشاهدات، خاطرات و تحقیقات موجود در این برهه زمانی می‌باشند و نقش والیان اردلان در مناقشات بین ایران و عثمانی را مورد توجه قرار داده است.

رساله دیگر به‌عنوان بررسی امیرنشین اردلان در کردستان در عهد قاجاریه توسط جمال زهره بارانمایی عطاالله حسنی در سال ۸۳ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است که بیشتر به بررسی ظهور خاندان اردلان و دست یافتن آن‌ها به قدرت و رابطه آن‌ها با حکومت مرکزی در دوره قاجاریه و چگونگی مشارکت این خاندان و نقش حکومت اردلان در منازعات میان دولت‌های ایران و عثمانی و زمینه‌های سقوط آنان را مورد بررسی قرار داده است بیشترین توجه نگارنده این رساله به دوره قاجاریه از سال ۱۱۶۰ ه.ق تا سال ۱۰۴۶ ه.ق هست. رساله دیگر بررسی وضعیت خاندان اردلان توسط کیهان مشیر پناه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر بارانمایی دکتر وهاب ولی هست که دفاع شده است ایشان دوره حکمرانی این خاندان را از انتخاب شهر سنج به پایتختی تا عهد نادرشاه را مورد بررسی قرار داده است.

در حوزه مقاله نیز چندین مقاله کار شده است که به‌صورت کوتاه به برخی از جنبه‌های روابط تاریخی، سیاسی ایران و کردها در دوره زمانی خاصی اشاراتی شده که به معرفی چند مورد می‌پردازیم: مقاله بازشناسی جایگاه مذهب در روابط اهل سنت کردستان و حکومت صفوی نوشته مجتبی سلطانی احمدی است نویسنده بیشتر به سیاست مذهبی امرای سنی این منطقه پرداخته و در نهایت به برخی از جنبه‌های آنان از امپراتوری عثمانی در طی برخی از جنگ‌های ایران با این دولت اشاراتی کرده است.

مقاله: پژوهشی در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نمونه موردی کردستان عراق توسط آقای بهرام نصر الهی زاده کار بسیار خوبی در حوزه شناخت سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ‌ها و باورها و اعتقادات مردم کردستان است هرچند این نویسنده نیز به تأثیرات روابط فرهنگی ایران با این منطقه توجهی ندارد. کارهای دیگری چون: شورش هورامان در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار از مظهر ادواری و هادی و کیلی، روابط کردها با دولتین صفوی و عثمانی از شاه اسماعیل اول از سید حسن قریشی کرین / آرش قنبری پایان پادشاهی شاه‌عباس اول، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی نمادهای نوسنگی در کردستان از دینا رستمی نژاد ... به دین ترتیب موضوع حاضر از دیدگاه علوم سیاسی تا اکنون مورد نقد و بررسی محققین قرار نگرفته است و به ریشه‌های فرهنگی و تاریخی در روابط ایران و کردستان عراق چندان توجهی نشده است؛ اما در تحقیقی که پیش رو است محقق سعی کرده باحالت علمی و تحلیلی به بیان مسائل بپردازد و در واقع سعی شده که به پیشینه دقیق روابط ایران و کردستان عراق را از زمان شکل‌گیری صفویه تا دوره معاصر مورد بحث و بررسی قرار دهد به‌یمن دیگر هدف از این کار بررسی حوادث تاریخی و سیاسی است که منجر به تحولات فرهنگی شده و یا عناصر فرهنگی که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی در روابط ایران و کردستان عراق شده است.

۴- موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان از لحاظ جغرافیایی بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه محصور شده است و به‌عبارتی دیگر به دنیای خارج راه ندارد. کردستان عراق میان شش استان واقع شده که از این میان، حکومت اقلیم کردستان بر چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و به‌تازگی استان حلبچه از استان سلیمانیه جدا و مستقل شده است و نیز قسمت‌هایی از استان‌های نینوا و دیاله چیرگی دارد.



همچنین حکومت کردستان درخواست پیوستن استان کرکوک و بخش‌های بزرگ‌تری از استان‌های نینوا، دیاله و صلاح‌الدین را کرده است. اربیل نیز پس از بغداد، بصره و موصل چهارمین شهر بزرگ عراق است و مرکز منطقه کردستان عراق به شمار می‌رود. (نامی، ۱۳۹۱: ۶۴)

کردستان عراق منطقه‌ای کوهستانی است. کوه‌های منطقه کردستان عراق دارای ارتفاع متوسط حدود ۲۴۰۰ متر است. ارتفاع کوه‌های این اقلیم در نقاطی به سه هزار تا ۳۳۰۰ متر هم می‌رسد. تنها بخش‌های جنگلی اقلیم کردستان عراق در همین ارتفاعات بلند قرار گرفته‌اند. بلندترین قله در اقلیم ۳۶۱۱ متر بلندا دارد. نام این کوه که در مرز با ایران قرار دارد را چینی‌در (به کردی: ک‌ئ‌ئ‌ی‌ده‌ر) و گاه ه‌ل‌گ‌و‌ر ذکر کرده‌اند. در برخی منابع معنی نام چینی‌در «کوه بیرونی» و در دیگر منابع معنی آن «چادر سیاه» ذکر شده است. رودهای بسیاری از کوه‌های کردستان عراق سرچشمه گرفته و در این منطقه جریان دارند. رودهای زاب بزرگ و زاب کوچک از شرق به غرب در منطقه جریان دارند. رود دجله نیز که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد با گذر از کردستان عراق وارد مناطق جنوبی‌تر عراق می‌شود. بزرگ‌ترین دریاچه کردستان عراق دریاچه دوکان نام دارد. دریاچه‌های کوچک‌تری چون دریاچه دهوک نیز در این منطقه وجود دارند. بخش‌های غربی و جنوبی کردستان عراق چندان کوهستانی نیست و زمین‌های آن بیشتر به‌صورت تپه‌ماهور و دشت است. این منطقه با این‌وجود نسبت به دیگر بخش‌های صاف عراق سرسبزتر است. ماه‌های تابستان یعنی از ژوئن تا سپتامبر بسیار گرم و خشک هستند. در ماه‌های ژوئیه و اوت، یعنی داغ‌ترین ماه‌ها، میانگین دما ۳۹ تا ۴۳ درجه است و در بسیاری روزها به ۵۰ درجه سانتی‌گراد هم نزدیک می‌شود. پاییزها خشک و ملایم است. میانگین دما در ماه اکتبر ۲۴-۲۹ درجه است و در نوامبر کمی خنک می‌شود. زمستان‌ها ملایم هستند، به‌جز در کوه‌های بلند. میانگین دماهای بالای زمستانی ۷ تا ۱۳ درجه سانتی‌گراد و میانگین دماهای پایین زمستانی ۲-۷ درجه سانتی‌گراد است (kurdistsans geography, 2018).

کردهای عراق حدوداً ۱۷ درصد کل مساحت این کشور را در اختیار دارند. بر اساس ادعای حکومت منطقه‌ای کردستان از مجموع استان‌های عراق چهار استان کرکوک، اربیل، سلیمانیه و دهوک که کاملاً در خاک کردستان عراق واقع شده‌اند باید جزو مناطق تحت کنترل حکومت منطقه‌ای کردستان باشند، اما هنوز در خصوص الحاق کرکوک و برخی دیگر از اماکن منطقه گرمیان به منطقه کردستان چالش‌های زیادی وجود دارد. با این‌وجود بخش‌هایی از مناطق کردنشین خارج از چهار استان فوق‌الذکر دارند، برای مثال استان نینوا شامل بخش‌های کردنشین عقره، شیخان، سنجاره، زمار است. استان دیاله بخش‌های کردنشین خانقین، مندلی، میران و قه‌ره را شامل می‌شود. (همان، ۱۳۹۵).

۵- روابط ایران با کردستان عراق در دوره قاجاریه

ایل قاجار، از زمان تشکیل سلسله صفویه نام و نشانی داشتند و در کنار سپاه قزلباش، در رکاب شاه اسماعیل شمشیر می‌زدند. در عهد شاه‌عباس کبیر، اینان عده‌ای به گرجستان و تعدادی نیز به دو سوی رودخانه گرگان کوچانده شدند. از این طایفه، آن گروه که در سمت راست گرگان فعلی یا استرآباد آن روز سکونت داشتند به نامیو خاری باش و آن عده که در ساحل چپ اقامت کردند به نام اشاقه باش معروف شدند (بوشاب گوشه، ۱۳۸۶).

پس از روابط پرفرازونشیب ایران با عثمانی در عصر حکومت‌های صفوی و افشار، بر سر مناطق مرزی و مسائل مذهبی این ارتباط در دوره قاجاریه هم تداوم داشت و در این میان، عوامل تأثیرگذار در روابط دو کشور، از ابتدای تشکیل دولت صفوی تا انقراض قاجار، کم‌وبیش شبیه به یکدیگر بودند: ۱- اهمیت عتبات عالیات ۲- زوار و ۳- کردها که در پاره‌ای از متون با عنوان عشایر سرحدی از آنان نام برده شده است، از مهم‌ترین این عوامل هستند. در منطقه کردنشین عراق امروزی، امارت بابان قرار داشت و در ابتدای دوره قاجاریه، عبدالرحمان پاشا امیر آن بود. وی در طول نزدیک به سه دهه، به‌عنوان امیری عثمانی اما با رویکرد ایرانی خواهی و ایران‌گرایی، بر یکی از مهم‌ترین نقاط بین دو کشور، حکم می‌راند. در طول حکمرانی بارها به ایران پناهنده شد و از طرف ایران و با حمایت فتحعلی شاه دوباره به امارت نشست. مکاتبات صورت گرفته بین رجال طراز اول ایرانی و عثمانی به حمایت از او، لشکرکشی‌ها و جنگ‌های درگرفته به نفع یا بر ضدش و نیز احترام شایسته‌ای که در ایران از وی به عمل می‌آمده است، همگی مؤید اهمیت جایگاه و اعتبار او در ایران بوده است. علاقه‌مندی عبدالرحمان پاشا به ایران از یک‌سو و حمایت این کشور از وی از سوی دیگر از آن جهت حائز اهمیت است که وی بر بخشی از قلمروی عثمانی حکم می‌راند و بابان به‌عنوان منطقه‌ای سرحدی، فقط در مدتی کوتاه به ایران مالیات می‌پرداخت بنابراین ایرانی خواهی او از نظر عثمانی‌ها عملی ناصواب و غیرقابل‌بخشش بود. به همین جهت در روابط بین دو کشور، اطاعت یا عدم اطاعت پاشای بابان، مسئله‌ای مهم تلقی می‌شد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲۴).

بابان، ناحیه‌ای کردنشین در شمال شرقی عراق امروزی با مرکزیت قلاچوالان بود و نام آن مأخوذ از طایفه‌ای کرد نژاد به همین نام بود که در تاریخ آن منطقه از اعتبار و جایگاه سیاسی مهمی برخوردار بودند و از دوره صفویه تا اواسط قاجاریه بر آن ناحیه حکم می‌راندند. موقعیت جغرافیایی بابان در حدفاصل ایران و عثمانی موجب می‌شد که همواره یکی از دلایل اصلی تنش‌های بین این دو حکومت باشد و در اغلب رخدادها بین دو کشور، نهایتاً یکی از موضوعات پیشنهادی در صلح‌نامه‌ها، چگونگی عزل و نصب حکمران بابان بود. طی سال‌هایی که بابان‌ها در تاریخ خاورمیانه حضور داشتند، در کشاکش‌های بین دو رقیب بزرگ ایرانی - عثمانی، نقش مهمی ایفا کردند و از پیامدهای هم‌جواری دو قدرت رقیب، برکنار نماندند؛ آنان به دلایل نژادی و فرهنگی، خود را ایرانی می‌دانستند اما از لحاظ جغرافیایی و

مذهبی و در تقسیمات کشوری، بخشی از عثمانی بودند و بر اساس همین ویژگی دوم بود که وقتی از اوایل قرن هفدهم/ یازدهم هـ ق به بعد از طرف عثمانی‌ها به آنان لقب و رتبه پاشا اعطا شد ایرانی‌ها مقاومتی نکردند و حتی خود نیز آن را پذیرفتند و به کاربردند. گرچه در دوره سیصدساله امارت بابان، آنان ارتباط دوسویه‌ای با ایران داشتند اما بررسی وضعیت این امیرنشین در زمان حکمرانی عبدالرحمان پاشا، با توجه به هم‌زمانی آن با روزهای آغازین حکمرانی قاجاریه، روابط قاجار با عثمانی، حوادث بغداد، شخصیت پیچیده خود این پاشا و تمایل و تلاش‌های عباس میرزا و محمدعلی میرزا برای نفوذ در عراق عرب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ثوابق و مظفری، ۱۳۹۵: ۲۱۴-۲۱۳).

۶- استقلال عراق و واکنش ایران در برابر کردها

گفته شد که در سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ ه.ش) واحد جدیدی به نام «دولت عراق» در خاورمیانه پدیدار گشت؛ اما دولت ایران حاضر نشد که پادشاهی عراق را به رسمیت بشناسد. در مورد علت استنکاف تهران از این امر، دو عامل ذکر شده است. نخست آنکه، تسلط بریتانیا بر عراق که از طریق موافقت‌نامه قیمومیت و زیر نظر جامعه ملل اعمال شده بود، از نظر ایرانیان قابل‌پذیرش نبود. آن‌ها عراق را یکی دیگر از قرارگاه‌های استعمار بریتانیا و تهدیدی بر حاکمیت ایران تلقی می‌کردند. به علاوه، مهاجرت علماء شیعه که مخالف قیمومیت بریتانیا بر عراق بودند، از شهرهای مقدس کربلا و نجف به ایران، تیرگی روابط دو کشور (و همچنین با بریتانیا) را در پی داشت. در واقع، چنین به نظر می‌آید که در این زمان دولت ایران از سوی بخشی از علماء - که بیشتر به خاطر مسائله مذهبی - مخالف با شناسایی هر آنچه نزدیک به قیمومیت اجانب بر مناطقی باشد که شهرهای مقدس کربلا و نجف را دربر می‌گرفت، بسیار تحت فشار بود (ملک‌الشعرا بهار، ۱۳۷۵).

مسئله دوم، مشکل موقعیت تعداد زیادی از اتباع ایران از جمله کردها بود که در عراق زندگی می‌کردند بنا به معاهده اقامت انگلیس و عراق مورخ ۲۵ مارس ۱۹۲۴ (۵ فروردین ۱۳۰۳)، برای اتباع کشورهای اروپایی و ایالت متحده و ایام سلطه عثمانی از مزایای حقوقی کاپیتولاسیون برخوردار بودند. همان حقوق محفوظ ماند. ایران که در ایام گذشته از نوعی مزایای کاپیتولاسیون برخوردار بود، اینک که از این مزایا محروم گشته بود و از لحاظ وجهه و از نقطه نظر منافع، تعداد قابل توجهی از اتباعش در آن کشور بودند، خود را مغبون احساس می‌کرد. همچنین مناقشات و تنش‌های مرزی دو کشور در جریان بود و تنها پس از لغو معاهده حقوقی سال ۱۹۲۴ عراق و انگلیس، (و آغاز مذاکرات دو کشور برای حل و فصل مسائل مرزی)، دولت ایران در آوریل سال ۱۹۲۹ (فروردین ۱۳۰۸) عراق را به رسمیت شناخت (زرگر، ۱۳۷۲: ۲۴۳).

از آن زمان به بعد روابط دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی داشت و عراق یکی از پردردسرتین همسایگان برای ایران بوده است. در مورد روابط دو کشور ایران و عراق می‌توان دوره‌هایی را به صورت زیر برشمرد:

الف) دوره روابط مبتنی بر هم‌زیستی و هم‌پیمانی نسبی: از زمان قیمومیت انگلیس بر عراق (۱۹۲۰) و سپس استقلال آن کشور در سال ۱۹۳۲ تا پایان عمر حکومت پادشاهی در سال ۱۹۵۸، به خاطر نفوذ انگلستان در منطقه، روابط دو کشور چه در قالب پیمان سعدآباد و چه پیمان بغداد و یا حتی خارج از آن، بیشتر دوستانه بوده است. هر چند که در این دوره هم اختلافات مرزی گاه‌وبیگاه رخ می‌داد، اما معمولاً بدون درگیری مهمی حل می‌شد. ب) دوره رقابت و جنگ: پس از کودتای سال ۱۹۵۸، روابط دو کشور وارد دوره‌ای از رقابت‌های جدی شد که ابتدا (۶۸-۱۹۵۸) این رقابت محدودتر و سپس با آغاز حکومت بعث (1968-1988م) وارد دوره منازعه و جنگ گردید و از سال ۱۹۸۸ به بعد تاکنون وضعیت نه جنگ و نه صلح حاکم شده است.

در این دوره مسائل مختلفی در روابط دو کشور مطرح بوده است. روابط نزدیک دولت‌های عراقی پس از کودتا با شوروی و ورود ناوگان شوروی در حمایت از آن‌ها به خلیج فارس و نگرانی دولت ایران، سیاست‌های تندروان آن‌ها در سطح منطقه و تضاد ماهیتی با نظام‌های پادشاهی از جمله در ایران، سیاست‌های گسترش طلبانه سرزمینی در قبال کویت و ایران (طرح مسئله اروندرود و ادعاها در مورد خوزستان)، ایجاد درگیری‌های نظامی در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۲ و از همه مهم‌تر تجاوز به سرزمین ایران در سال ۱۳۵۹ و ۸ سال جنگ تحمیلی و بالاخره مسئله کردها در عراق در شمار آن مسائل هست (محمدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

۷- کردستان تحت تأثیر تعاملات ایران و عراق در زمان پهلوی

نقطه‌ی آغاز روابط مابین دو کشور به فروردین ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت جهت برقراری روابط سیاسی با ایران بازمی‌گردد. باین حال دولت عراق که در این زمان تحت حمایت انگلستان قرار داشت، نخست از اواسط سال ۱۳۱۰ با ارسال چندین یادداشت اعتراض به دولت ایران، مأموران گمرک و نیروی دریایی ایران را متهم به نادیده گرفتن مقررات سازمان بندر بصره و تجاوز به حق حاکمیت عراق در آب‌های اروندرود نموده و سپس در سال ۱۳۱۳ به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر اروندرود به جامعه‌ی ملل شکایت برد. پس از آنکه جامعه ملل طرفین را به مذاکره مستقیم دعوت نمود، سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ طی قراردادی که میان دو کشور منعقد گردید، حق کشتی‌رانی در سراسر اروندرود به استثنای پنج کیلومتری از آب‌های آبادان تا خط تا لوگ به دولت عراق واگذار گردید (مهودی، ۱۳۸۳: ۳۱۲) بدین

ترتیب قرارداد مذکور که در چارچوب اهداف استراتژیک بریتانیا بر ایران تحمیل شده بود، مالکیت عراق بر تمام اروندرود را به غیر از پنج کیلومتری از آب‌های آبادان گسترش می‌داد.

باین‌حال ۴ روز بعد در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ پیمانی میان کشورهای ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در کاخ سعدآباد تهران به امضاء رسید که وحدت کشورهای فوق را در منطقه تضمین نمود و امضاکنندگان را به حمایت متقابل از یکدیگر در صورت بروز خطر نسبت به یکی از اعضاء برمی‌انگیخت. «پیمان سعدآباد» که تحت نفوذ و سلطه انگلیس در منطقه منعقد شده بود، دولت‌های امضاء کننده را به پرهیز از مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به مرزهای مشترک، خودداری از هرگونه تجاوز نسبت به یکدیگر و جلوگیری از تشکیل جمعیت‌ها و دسته‌بندی‌هایی باهدف اخلال در سطح میان کشورهای هم‌جوار و هم‌پیمان تشویق می‌کرد (همان: ۳۱۴).

پیمان دیگری که میان کشورهای منطقه منعقد شد، معروف به «پیمان بغداد» است که معاهده‌ای با ماهیت دفاعی و امنیتی بود. این پیمان که نخست در پنجم اسفند ۱۳۳۳ میان وزیران امور خارجه دو کشور عراق و ترکیه تحت عنوان «پیمان همکاری‌های متقابل» در بغداد به امضا رسیده بود، با پیوستن انگلستان در دهم فروردین، پاکستان در اول مهر و ایران در ۱۹ مهر ۱۳۳۴ حلقه‌ای از حامیان بلوک غرب را در منطقه گرد هم جمع آورد؛ اما کودتای عبدالکریم قاسم با عقاید افراطی و چپ‌گرایانه، از یک‌سو موجب خشنودی مسکو و قاهره و از سوی دیگر باعث خروج عراق از حلقه بلوک غرب گردید. کودتای قاسم در ۱۳۳۷ که در درجه نخست به خروج عراق از پیمان و انتقال مرکزیت آن از بغداد به آنکارا انجامیده بود، ترس شدید شاه ایران را نیز در پی داشت. فیروز آبادی، جلال و همکاران (۱۳۹۲).

روابط نامطلوب دو کشور با این کودتا و قوت یافتن پان‌عربیسم و گرایش‌های افراطی عربی در نظام سیاسی عراق آغاز شد. در این دوره اختلافات مرزی دو کشور افزایش یافت و علاوه بر ادعای حاکمیت عراق بر خوزستان، تشکیل جبهه آزادی‌بخش خوزستان و مسئله کردها، اختلاف ایدئولوژیک نیز بر روابط دو کشور سایه انداخت. اگرچه ایران ۱۷ روز پس از کودتای قاسم، رژیم وی را به رسمیت شناخت ولی این اقدام مانع از ابراز سیاست‌های تند و خصمانه قاسم نسبت به ایران نگردید. زیرا قاسم نه تنها به هیچ‌یک از قراردادهای مرزی و تعهدات حکومت پیشین عراق درباره اختلافات آبی با ایران پایبند نبود، بلکه ادعاهای ارضی نیز نسبت به خاک کویت ابراز می‌داشت که امنیت منطقه را بیش از پیش به مخاطره می‌انداخت سرانجام در آذر ۱۳۳۸ یک‌بار دیگر اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل گشت. عبدالکریم قاسم در کنفرانسی مطبوعاتی ادعا کرد که «عراق در سال ۱۳۱۶ تحت فشار جدی قرار داشته و ناچار شده است که حاشیه‌ای به عرض پنج کیلومتر از اروندرود را به ایران واگذار نماید و این عمل عراق یک نوع بخشش بوده است، نه استرداد یک حق مکتسبه». (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۰). این ادعا در حالی صورت می‌گرفت که عهدنامه ۱۳۱۶ در سایه حمایت‌ها و طرفداری همه‌جانبه انگلیس از عراق منعقد شده بود. زیرا در آن هنگام انگلیسی‌ها که طبق تقسیمات استعماری پس از جنگ اول جهانی و فروپاشی عثمانی بر عراق سلطه مطلق داشتند، دستیابی به آب‌های بین‌المللی منطقه و منابع نفتی عراق را حائز اهمیت می‌دانستند و از این رو پیمان ۱۳۱۶ را بر ایران تحمیل نمودند. ایران در آغاز تلاش نمود بحران به وجود آمده را از راه‌های دیپلماتیک حل و فصل نماید، اما پافشاری عراقی‌ها بر ادعاهای واهی خود، طرفین را حتی به میدان درگیری‌های پراکنده و تدارکات نظامی برای جنگ احتمالی نیز کشاند. اگرچه در نهایت با از سرگیری مذاکرات مستقیم میان دو کشور مناسبات دیپلماتیک نیز از سر گرفته شد اما تا زمانی که رژیم چپ‌گرای عبدالکریم قاسم در عراق حاکم بود، روابط دو کشور تیره باقی ماند با سقوط حکومت عبدالکریم قاسم در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ و به قدرت رسیدن رژیم‌های میانه‌رو عبدالسلام عارف و عبدالرحمن عارف تا حدی از تنش موجود در روابط دو کشور ایران و عراق کاسته شد، اما اختلافات دو کشور در حوزه‌های پیشین همچنان پابرجا باقی ماند (میرفندرسکی، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

آرامش و چالش در روابط دو کشور تا هنگام قدرت یافتن حزب بعث در عراق (۲۶ تیر ۱۳۴۷) ادامه یافت؛ اما با حاکم شدن رژیم بعث در عراق، دوره‌ی دیگری از تیرگی روابط میان دو کشور آغاز گردید. در این دوره علاوه بر اختلافات قبلی، تفاوت‌های ایدئولوژیک رژیم‌های موجود، گرایش‌های پان عربی شدید رژیم بعث و اراده آن برای کنترل جهان عرب و همچنین گرایش دو کشور به قطب‌های مخالف دوران جنگ سرد و مخالفت عراق با حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه بر وخامت اوضاع افزود. همچنین نزدیکی رژیم شاهنشاهی به اسرائیل و آثار نامطلوب آن بر ذهنیت اعراب و سیاست‌گذاران رژیم بعثی، منجر به پاک‌سازی و اخراج ایرانی‌های ساکن در عراق و اتخاذ سیاست ایرانی ستیزی از سوی رژیم بعثی گردید. روابط دو کشور در شرایطی وارد بحران جدیدی شد که حسن‌البکر رئیس رژیم کودتایی عراق ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شدند بازرسی نمایند. به دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق، آبراه شط العرب را جزء لاینفک خاک عراق نامید و از ایران خواست پرچم‌های خود را از روی کشتی‌ها پایین بکشد. به دنبال این اظهارات و اعمال مقامات عراقی، دولت ایران نیز در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه‌ی مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام نمود (مهدوی، ۱۳۸۰: ۳۲۰). این رویداد روابط دو کشور را تا آستانه وقوع برخورد نظامی به وخامت کشاند و حتی احتمال درگیری نظامی نیز قوت یافت، اما با میانجیگری هواری بومدین در جریان اجلاس سران اوپک (۱۳ الی ۱۵ اسفند ۱۳۵۳) در الجزایر، دو کشور به توافقاتی جهت پایان بخشیدن به اختلافات خود دست یافتند. بر اساس این توافق خط تالوگ به‌عنوان خط مرزی دو کشور شناخته شد و ایران

به صورت تلویحی پذیرفت که از حمایت کردهای بارزانی دست بکشد و مقداری از اراضی عراق را که در تصرف خود داشت، به آن کشور بازگرداند (پارسا دوست، ۱۳۶۴). از جمله دلایل پذیرش این قرارداد از سوی رژیم بغداد می‌توان به فشار کردهای جدایی طلب بر دولت عراق، حمایت امریکا و بلوک غرب از محمدرضا پهلوی و تضعیف موقعیت اعراب در پی شکست از اسرائیل اشاره نمود. (میرفندرسکی، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

۸- روابط جمهوری اسلامی ایران و کردستان عراق

۸-۱- استقلال کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران

کردستان عراق در راه رسیدن به استقلال از دیرباز تلاش‌های زیادی نموده است. در این راه کشورهای همسایه و دول قدرتمند نقش‌های مختلفی ایفا می‌کردند. برای شناخت تفکر جمهوری اسلامی ایران نسبت به استقلال عراق نخست به معرفی حامیان استقلال کردستان عراق می‌پردازیم. در حال حاضر مؤثرترین و اصلی‌ترین حامی خارجی استقلال اقلیم را می‌توان رژیم صهیونیستی دانست. استقلال اقلیم کردستان می‌تواند منافع مشترکی را برای رژیم صهیونیستی و اقلیم داشته باشد. حضور رژیم صهیونیستی در کردستان عراق می‌تواند برگ برنده‌ای برای کردها در برابر قدرت‌های منطقه‌ای محسوب شود تا به نوعی کشورهای منطقه‌ای چون سوریه، ایران و سایر دولت‌های عرب و حتی ترکیه را تحت شعاع قرار دهد. رژیم صهیونیستی می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر آمریکا در خصوص استقلال اقلیم، زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی، کشاورزی و خدماتی را فراهم و افزون بر تقویت توان نظامی و دفاعی، ساختار اقتصادی اقلیم را بهبود بخشد. همچنین در صورت استقلال اقلیم، رژیم صهیونیستی از منافع زیادی برخوردار خواهد بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ایجاد ناامنی و تضعیف عراق، دستیابی به منابع سرشار نفتی و معدنی و واپایش ایران از طریق حضور در اقلیم کردستان، ناامن کردن عقبه کشورهای مخالف رژیم صهیونیستی اشاره کرد. در مجموع استقلال اقلیم نتیجه‌ای برد-برد برای هر دو طرف خواهد داشت و به دلایل مذکور رژیم صهیونیستی از استقلال آن حمایت می‌کند. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۷۵)

در این بین موانع مختلفی وجود دارد که مانع استقلال کردستان عراق می‌شوند این موانع داخلی و خارجی هستند. موانع مهم داخلی شامل مخالفت سنی‌ها و پیروان شیعه، دولت مرکزی عراق و عامل جغرافیایی می‌باشد؛ اما مهم‌تر از همه قانون اساسی عراق است در قانون اساسی عراق آمده است که عراق را کشوری مستقل و دارای حاکمیت واحد دانسته است. ماده نخست قانون اساسی عراق که در ۵ سپتامبر ۲۰۰۵ تصویب و به تأیید ۷۸ درصد از رأی‌دهندگان رسید، جمهوری عراق را کشوری مستقل دانسته که نظام حکومتی آن جمهوری مجلس محور دموکراتیک و فدرال است. همچنین در ماده ۱۱۴، منطقه کردستان عراق را منطقه‌ای فدرال به رسمیت شناخته؛ اما بر یکپارچگی عراق تأکید نموده است (اشوری، ۱۳۷۸: ۲۶۹). از موانع خارجی که مخالف استقلال کردستان هستند، می‌توان به دولت آمریکا، ترکیه، سوریه و جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا استقلال کردستان تأثیری بر تمامیت ارضی ایران می‌گذارد. برای شناخت این تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری پنج شاخصه مهم را در نظر می‌گیریم. قدرت نظامی، قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و منابع طبیعی ایران و کردستان عراق را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

وضعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارای قدرت قابل توجهی است. نیروی هوایی ایران دارای خلبان‌های ورزیده و صدها فروند هواپیمای عملیاتی است و نیروی زمینی تجهیزات سنگین زیادی از جمله بالگرد، تانک، نفربر، موشک‌های دوربرد مختلف و سایر تجهیزات دیگر در اختیار دارد. نیروی دریایی نیز با ساخت ناوهای جنگی و داشتن تجهیزات جنگی مناسب به یک نیروی راهبردی در منطقه تبدیل شده است. بر اساس اطلاعات عنوان شده از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، ایران هم‌اکنون دارای ۵۴۵ هزار نفر کارکنان فعال نظامی و در رده دوازدهم قدرت‌های نظامی جهان قرار دارد و بودجه نظامی آن در سال ۲۰۱۱ م، ۹ میلیارد و ۱۷۴ میلیون دلار بوده است. نیروی نظامی اقلیم کردستان عراق از نظر تجهیزات پیشرفته و تعداد نیروی نظامی، قابل مقایسه با جمهوری اسامی ایران نیست. نیروهای مسلح حکومت اقلیم کردستان را پیش‌مرگ‌ها تشکیل می‌دهند که به صورت سنتی به این نام شهرت دارند. ساختار نیروهای مسلح و اطلاعاتی امنیتی در کردستان عراق شامل نیروهای حزب اتحادیه میهنی و حزب دموکرات است. نیروهای نظامی حزب اتحادیه میهنی، شامل نیروهای پیشمرگه‌ها نظامی و امنیتی انتظامی آسایش و اطلاعات (زانیاری) است. استعداد نیروهای مسلح حزب دموکرات شامل پیشمرگه‌ها نظامی (امنیتی- انتظامی) آسایش و اطلاعات (پاراستن) است. استعداد کل نیروهای مسلح حزب دموکرات کردستان (پارتی) ۹۰,۰۰۰ نفر شامل ۷۰,۰۰۰ نیرو بالباس نظامی و ۲۰,۰۰۰ هزار نیروی احتیاط است. سلاح و تجهیزات هر دو حزب عمدتاً سلاح سبک و نیمه سنگین نظیر دوشکا، توپ ضد هوایی، خمپاره و تعدادی سلاح نیمه سنگین نظیر تانک، نفربر زرهی و انواع توپ‌هاست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انواع نفربر زرهی ۱۰۰ دستگاه، دستگاه، توپ‌های ۱۷۵، ۱۰۶، ۱۲۰ میلی‌متری ۲۱۰ عراده، انواع تانک از جمله تانک تی ۵۴ روسی ۱۰۰ دستگاه و خودروهای زرهی و نفربر زرهی ۵۰ دستگاه را اشاره کرد (نامی و محمد پور، ۱۳۸۷: ۵۱۰). اقلیم کردستان نیروی هوایی و دریایی ندارد و نیروی زمینی آن هم تعداد محدودی تانک، نفربر، انواع توپ و سلاح‌های خمپاره‌انداز در اختیار دارد. مجموع نیروی نظامی اقلیم کردستان در حدود ۱۱۰ هزار نفر است و سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته و بازدارنده در اختیار ندارند (نامی و محمد پور، ۱۳۸۷: ۵۱۰). از جمله نقاط ضعف نیروهای نظامی اقلیم می‌توان به نبود همبستگی و اتحاد بین نیروهای اتحادیه میهنی و دموکرات، مجهز نبودن به سلاح‌های سنگین و دوربرد، نداشتن پدافند هوایی و کمبود سلاح و مهمات اشاره کرد و از جمله مهم‌ترین نقاط قوت آن‌ها نیز می‌توان به حس

جنگجویی و رشادت در پیش مرگ‌ها، آشنایی به جنگ‌های چریکی، پیشینه طولانی در مبارزه با دولت‌های قبل و تعداد نفرات قابل توجه اشاره نمود؛ که به هیچ وجه قابل مقایسه با قدرت نظامی جمهوری اسلامی نیست؛ از این رو از بعد نظامی تأثیری بر امنیت ملی ایران ندارد (همان: ۵۱۱).

قدرت سیاسی یک کشور شاخصه مهم ماندگاری ارکان یک دولت و کشور در عرصه بین‌المللی است در صورت فقدان قدرت سیاسی نمی‌توان به دوام یک حکومت چشم امید داشت. قدرت سیاسی هر کشور نخست از عامل مشروعیت آن برمی‌خیزد. مشروعیت سیاسی یک حکومت به واسطه‌ی نقش مردم همراه با نقش دولتمردان جان می‌گیرد. وجود قوای مقننه، قضائیه و مجریه مستقل و کارآمد می‌تواند اعتماد مردم به حکومت‌ها را افزایش داده و مشروعیت ایجاد نماید؛ همچنین مؤلفه‌های دیگری از جمله انتخابات و میزان مشارکت مردم، میزان خشونت‌های سیاسی، ناتوانی دولت در برآورده کردن نیازهای مردم، حقوق اقلیت‌ها و ... بر مشروعیت دولت‌ها تأثیرگذار هستند. در کشور جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان نیز مشروعیت از مؤلفه‌های توضیح داده شده تأثیرپذیر است. انتخابات در جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف برگزار می‌شود و همه قوا برای مستقیم‌گرایی غیرمستقیم مردم تعیین می‌شوند. قوه مجریه و مقننه توسط مردم انتخاب شده و قوه قضائیه توسط رهبر ایران که خود توسط مجلس خبرگان رهبری انتخاب می‌گردد، تعیین و معرفی می‌شود. در کل انتخابات نیز میزان مشارکت مردم همیشه بالای ۵۰ درصد بوده است. حکومت منطقه‌ای کردستان عراق دارای سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است (ماده ۳۹). قوه مجریه کردستان عراق از رهبر اقلیم و انجمن وزیران تشکیل شده است. رهبر اقلیم که از طریق همه‌پرسی مردم انتخاب می‌شود، از اختیارات بالایی برخوردار است و افزون بر ریاست قوه مجریه، فرمانده کل قوا و هماهنگ‌کننده اختیارات اقلیم و دولت مرکزی است. انجمن وزیران از نخست‌وزیر، جانشین او و وزیران تشکیل شده است (حافظ نیا و قربانی نژاد، ۲۰۰۷: ۱۳۸۹). رئیس اقلیم در حال حاضر (۱۳۹۸ شمسی) مسعود بارزانی، نخست‌وزیر نیچروان بارزانی و پایتخت اقلیم در اربیل است. مجلس کردستان ۱۱۱ نفر است که برای مستقیم مردم برای چهار سال انتخاب می‌شوند و میزان ۳۰ درصد اعضای مجلس برای زنان تعیین شده است (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). قوه قضائیه کردستان عراق متشکل از شورای قضایی، دادگاه تجدیدنظر، شورای قضایی نظارت و دادگاه‌هاست که به طور مستقل از سایر قوا عملکرد و رئیس آن به طور مستقیم از طرف رهبر اقلیم کردستان انتخاب می‌شود (عونی، ۲۰۰۷: ۲۴). در اقلیم کردستان تاریخچه انتخابات به سال ۱۹۹۲ برمی‌گردد. تاکنون چهار دوره انتخابات در اقلیم برگزار شده و آمار مشارکت مردم در هیچ دوره‌ای پایین‌تر از ۷۰ درصد نبوده است. (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷ - ۱۲۱) همچنین اقلیت‌ها در هر دو کشور دارای نماینده مستقل در مجلس هستند و در فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی خود آزاد هستند. آنچه در رابطه با مقایسه برخی مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی در اقلیم کردستان و ایران می‌توان جمع‌بندی کرد، این است که مشروعیت سیاسی در اقلیم کردستان تأثیری بر امنیت ملی ایران ندارد.

بخش عمده درآمد اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران از نفت و گاز تأمین می‌شود. تا سال ۲۰۱۱ م ایران دارای ۱۲۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت و ۱۰۴ تریلیون فوت مکعب گاز است؛ ولی به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری خارجی در استخراج نفت و گاز، توسعه لازم در این زمینه صورت نگرفته است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). مشکلات اقتصادی که در نتیجه ترکیبی از واپایش قیمت‌ها و یارانه‌ها به‌ویژه در بحث مواد غذایی و انرژی است، باعث سنگینی اقتصاد شده و موانع زیادی، سبب تضعیف رشد بخش خصوصی در ایران شده است. برابر اعلام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در ۷ استان کشور تکرریمی و در ۲۳ استان دیگر دورریمی بوده است. رشد فرصت‌های شغلی و تعداد کل شاغلان در استان‌های کشور مناسب نبوده و به‌طور مثال در استان کردستان تعداد کل شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۴۳۱،۰۴۳ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۴۲۹،۲۷۳ نفر و در استان کرمانشاه تعداد شاغلان در سال ۱۳۸۸، ۵۴۸،۶۹۸ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۵۹۰،۶۶۷ نفر اعلام شده است که با توجه به رشد جمعیت در این استان‌ها فرصت‌های شغلی کافی ایجاد نشده است همچنین درآمد سرانه استان کردستان ایران در رده ۲۷ استان‌ها قرار دارد (روزنامه آفرینش، ۱۳۹۲ / ۵ / ۶) در اقلیم کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه نفت خام وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) در سال‌های اخیر مسئولان اقلیم با افزایش ارتباط با کشورهای هم‌چون ترکیه، رژیم صهیونیستی، آمریکا و ... قراردادهای نفتی زیادی منعقد و شرکت‌های نفتی متعددی را مانند اکسون موبیل آمریکا، جنرال انرژی ترکیه، گلف کیستون و آنگو از انگلیس را به اقلیم آورده‌اند. در حال حاضر بیش از ۵۰ شرکت نفتی از ۱۹ کشور مختلف در این منطقه فعال و در نظر دارند ظرفیت تولید روزانه نفت خود را تا سال ۲۰۱۹ م به دو میلیون بشکه در روز برسانند (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۲ / ۴ / ۶). با توجه به همسایگی اقلیم کردستان با مناطق کردنشین ایران، توسعه اقتصادی در اقلیم و از سوی دیگر فقر و محرومیت در استان‌های کردنشین ایران سبب تأثیرگذاری منفی بر امنیت ملی ایران به‌ویژه در مناطق کردنشین خواهد شد.

از جمله منابع طبیعی حیاتی در هر کشوری منابع آبی، جنگل‌ها و منابع نفتی است که کمبود آن‌ها در امنیت ملی کشور تأثیر منفی می‌گذارد. از جمله مهم‌ترین عوامل حیاتی آب است که برای توسعه کشاورزی و حیات کشور اهمیت زیادی دارد. میانگین بارش سالانه ایران ۲۴۰ میلی‌متر است که ارزش‌های حیاتی مناسبی را به همراه دارد. در قسمت شمال کشور، دریای خزر و در قسمت جنوب، خلیج فارس از جمله منابع آبی مناسبی هستند که ضمن وجود منابع نفت و گاز فراوان و ایجاد فرصت حمل‌ونقل دریایی، سبب توسعه شیلات در این دو منطقه شده است (بانک مطالعات منابع طبیعی، ۱۳۹۱: ۱۵) جنگل‌ها در ایران نیز از جمله مهم‌ترین ثروت‌های طبیعی ایران هستند که وسعت زیادی را به‌خصوص در قسمت‌های شمال کشور در بر گرفته‌اند. در اقلیم کردستان نیز به لحاظ نوع آب‌وهوا زمین‌های حاصلخیز و جنگل‌های مناسبی وجود دارد و بارش باران و برف به دلیل کوهستانی

بودن اغلب مناطق می‌بارد اما کار ذخیره‌سازی آب به خوبی صورت نگرفته است. طبق آمار محیط‌زیست اربیل، بارش باران در اقلیم تا قبل از سال ۱۹۸۲ بین ۴۵۰ تا ۶۵۰ میلی‌متر مکعب و در سال ۲۰۱۱ بین ۱۵۰ تا ۴۵۰ میلی‌متر مکعب شده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۵۱) مقدار قابل توجهی از آب اقلیم کردستان از کشورهای همسایه مانند ایران (آب رودخانه‌های سیروان و زاب) و ترکیه (آب رودخانه‌های دجله و فرات) تأمین شده و این وابستگی می‌تواند مشکلاتی را برای اقلیم ایجاد کند. در خصوص منابع نفتی ایران و اقلیم نیز همان‌گونه که در بخش‌های قبل توضیح داده شد، هر دو از منابع خوبی برخوردار هستند. در مجموع در رابطه با منابع طبیعی حیاتی در ایران و اقلیم می‌توان عنوان نمود که هر دو دارای منابع طبیعی حیاتی مناسبی هستند و اقلیم کردستان تأثیری از این طریق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت و حتی در خصوص تأمین آب به جمهوری اسلامی ایران وابستگی نیز دارد. در مجموع بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران با استفاده از الگوی لی جی مارتین مشخص شد که تنها در رابطه با توانمندی اقتصادی، اقلیم می‌تواند تأثیرگذاری منفی بر امنیت ملی ایران داشته باشد گرچه کردستان عراق در این زمینه نیز نمی‌تواند بر ایران برتری داشته باشد اما وجود نفت و گاز خود عاملی مهم برای پیشبرد اهداف این نقطه از جهان است. در کشور عراق ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت وجود دارد که ۴۵ میلیارد بشکه آن در اقلیم کردستان است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) امروزه ذخایر نفت و گاز افزون بر جنبه اقتصادی از نظر سیاسی نیز تأثیرگذار است. وجود ذخایر نفت و گاز در اقلیم کردستان می‌تواند سبب رونق تجاری و توسعه اقتصادی این منطقه شود و با درآمدهای حاصل از آن، سبب تأمین زیرساخت‌های اقتصادی شده تا وابستگی به دولت مرکزی عراق برای تأمین مخارج خود را کاهش دهند و گام‌های اولیه برای استقلال اقلیم برداشته شود.

۹- مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل اختلافی کردها با یکدیگر

موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: رویکرد منطقی و روابط متوازن با همه احزاب کردی از جمله دو حزب بزرگ اقلیم. به همین دلیل ایران در امور داخلی کردهای اقلیم کردستان عراق دخالت نمی‌کند و در نتیجه به توافقاتی فی‌مابین آن‌ها احترام می‌گذارد. در مسئله ریاست اقلیم ملاک نتایج انتخابات پارلمانی اقلیم است، لذا ایران حزب حاکم را به رسمیت می‌شناسد. در بحث ریاست جمهوری از آن جهت که مربوط به کلیت عراق می‌شود، مناسبات جمهوری اسلامی فراتر از اقلیم و در چهارچوب حکومت مرکزی تعریف می‌شود. لذا رأی پارلمان عراق در انتخابات رئیس‌جمهوری برای ایران قابل احترام است. البته در شرایط فعلی هرچند ایران با دو حزب بزرگ اقلیم روابط حسنه‌ای دارد، اما به دلیل برخی مسائل از جمله همه‌پرسی استقلال، در مقطعی روابط با حزب دموکرات دچار نوعی تنش شده و در مقابل، اتحادیه میهنی به ایران نزدیک‌تر شد. به همین دلیل محافل داخلی عراق، ریاست جمهوری بر هم صالح را به مثابه پیروزی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کردند. مخالفت ایران با همه‌پرسی استقلال، یک موضع رسمی و حاکی از نگرانی ایران از تجزیه عراق بود. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با حیدر العبادی نخست‌وزیر وقت عراق در ۳۱ خرداد ۹۶ تأکید کردند جمهوری اسلامی از تمامیت و وحدت عراق حمایت می‌کند. ایشان تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه، با برخی زمزمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن زندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند. (میر سنجر، ۱۳۸۲: ۵)

۱۰- سیاست خارجی ایران در برابر تحولات مناطق کردنشین

در بُعد داخلی، ملاحظات ناشی از ایستارها و رویکرد نظام جدید به بازنگری نقش و کارکرد ایران در ترتیبات امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای از یک سو و رخدادهای پرشتاب و ناامنی‌های مناطق کردنشین ایران در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر مؤثر بودند. در بُعد خارجی، باید به رفتار بازیگران رقیب اشاره کرد. (حق پناه، ۱۳۷۸: ۱۴۵) مسئله کرد هم نقطه ضعف و آسیب‌پذیری داخلی دولت‌ها و هم فرصت برای تضعیف رقیب با استفاده از واگرایی‌های قومی در کشور رقیب به شمار می‌رود. نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارت‌اند از ۱: نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و افزایش سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران به تبع آن؛ ۲. وجود پایگاه نظامی و مقر و دفاتر سیاسی و احزاب اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی در کوهستان‌های قندیل ۳. حضور و نفوذ قدرت‌های رقیب و یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان از جمله ترکیه، آمریکا و اسرائیل.

فرصت‌های متصور از ناحیه اقلیم کردستان عراق و تحولات آن برای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از ۱. استقلال کردستان عراق عملاً پایان یک عراق متحد است و تجزیه عراق تهدیدات احتمالی از جانب عراق را برای همیشه تضعیف می‌کند ۲. استقلال کردستان عراق، توازن جمعیتی و به تبع آن، قدرت را در داخل عراق به نفع شیعیان تغییر می‌دهد. تحکیم قدرت شیعه در عراق هم سو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است؛ ۳. تقویت محور تهران، اربیل، بغداد در مقابل رژیم‌های سنی منطقه؛ ۴. حضور در اقلیم کردستان سبب ایجاد موازنه در مقابل بازیگران رقیب و کاهش تهدید امنیتی از جانب آن‌ها می‌شود ۵. گسترش هرچه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با اقلیم کردستان سبب ایجاد همگرایی بیشتر می‌شود. این مسئله با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی کردها با سایر گروه‌های قومی ایرانی بیشتر مورد توجه است و از سوی دیگر، این امر

سبب جلوگیری از گرایش‌ها و اگرایانه کردها در ایران خواهد شد. ایران در حال حاضر دارای سابقه نسبتاً مثبتی با کردستان عراق است. دارای دو کنسولگری در اقلیم بود و از سطح تجارت خوبی با اربیل برخوردار است جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۳۰).

تقسیم عراق از دید ایران به اندازه ترکیه زیان‌بار نیست، زیرا منطقه شیعه‌نشین مستقل، بالقوه متحد نزدیک ایران خواهد بود و منطقه کردنشین می‌تواند بالقوه به ایران نزدیک باشد و در ضمن، قدرت رویارویی با ایران را در حال نخواهد داشت (قاسمی، ۱۳۹۸: ۵۵). تجربه یازده سال اخیر حکومت اقلیم کردستان عراق نشان داده است هر میزان این منطقه دارای ثبات سیاسی، مسئولیت‌های رسمی بیشتر حقوقی و سیاسی از منظر قانون اساسی و حقوق بین‌الملل و استقلال رفتاری بیشتر بوده است، به همان میزان در قبال همسایگان مهمش (ایران و ترکیه) مسئولیت‌پذیرتر بوده است. وساطت با ایران و گروه‌های معارض مسلح برای کاستن و قطع نسبی نامنی مسلحانه در مرزهای مشترک، وساطت میان ترکیه و پ.ک.ک برای برقراری صلح، افزایش تبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی میان ایران و کردستان عراق از جمله این موارد است. از سوی دیگر، کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوزاد و سرزمین آریایی است.

۱۱- کردستان عراق در دوران جنگ تحمیلی

با آغاز و گسترش جنگ عراق علیه ایران، پیوند حزب دموکرات کردستان عراق با ایران محکم‌تر شد و علاوه بر سرکوب مخالفان کرد ایرانی، همکاری نظامی و اجرای عملیات مشترک علیه نیروهای بعثی در شمال عراق را نیز در بر گرفت. این همکاری برای هر دو طرف بسیار ضروری و مهم بود. کردها به دلیل استحکامات ایجاد شده در طول سال‌های م ۱۹۷۵ تا م ۱۹۸۰ در مناطق مرزی و جای‌جای کردستان به دست ارتش عراق، نداشتن تسلیحات کافی، نداشتن قرارگاه‌هایی برای آموزش نیروهای شبه‌نظامی پیش‌مرگ، افزایش توان نظامی و تسلیحاتی عراق طی سال‌های افول جنبش مبارزاتی کردهای عراق و... به حمایت ایران نیاز داشتند و می‌توانستند با اتکا به توانمندی نظامی ایران و باز شدن عقبه نیروهایشان به ایران برای رهایی از فشارهای عراق، موقعیت مناسبی را به دست آورند و متقابلاً ایران نیز با هدف سرکوب جنبش احزاب کرد مسلح ایران و دور ساختن آن‌ها از عراق و جلوگیری از تشکیل اتحاد بین آن‌ها، استفاده از آشنایی پیش‌مرگه‌های کرد عراق با منطقه کردستان عراق، استفاده از توان، تجربه و مهارت‌های کردهای معارض در طول چند دهه مبارزه مسلحانه با ارتش عراق، رخنه به خاک عراق و حمله به مناطق نفت‌خیز کرکوک و مشغول ساختن برخی از قوای عراق در منطقه کردستان این کشور و فراهم کردن زمینه برای حمله در جبهه‌های جنوب و از بین بردن رژیم بعثی عراق و جایگزین کردن آن با دولت اسلامی با کردهای عراق همکاری و از آنان حمایت می‌کرد (حسن، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

همکاری حزب دموکرات کردستان عراق با نظام جمهوری اسلامی ایران که از اولین روزهای پیروزی انقلاب شروع شده بود تا آخر جنگ ایران و عراق ادامه یافت؛ اما این همکاری از زمان انقلاب تا اواسط جنگ، بیشتر به اتحاد دو طرف در مبارزه با مخالفان کرد ایرانی محدود می‌شد که تا سال ۱۹۸۳ و تسلط ایران بر مناطق کردنشین در کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه ادامه داشت. پس از آن نیز ایران به‌غیر از عملیات والفجر (همان: ۱۲۵) اواسط سال ۱۹۸۵ عملیات عمده و مهم دیگری را در شمال عراق اجرا نکرد. در این برهه پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عمدتاً به تداوم درگیری‌های خود با ارتش عراق به سبک پارتیزانی و عملیات‌های محدود و سریع اقدام می‌کردند که در نتیجه آن‌ها توانستند حضور خود را در کوه‌ها و دره‌های مناطق دیانا، اربیل و بادینان واقع در شمال شرق عراق تثبیت کنند (اردستانی، ۱۳۸۷: ۹۴ و ۱۰۸).

با رسیدن به اواسط جنگ، اهمیت نظامی کردها برای ایرانیان دوچندان شد. در این زمان به دلیل رکود و ناتوانی ایران و عراق برای کسب برتری یا برهم زدن توازن قوا در جبهه جنوب به نفع خود، ایران با توجه به موفقیتش در کسب تسلط نسبی بر مناطق کردنشین خود و آرام کردن بحران کردستان درصدد ایجاد جبهه گسترده دیگری در مرزهای غربی و استفاده از کمک پیشمرگان کرد برآمد. عوامل مؤثری در گشایش جبهه جدید در غرب کشور که به اجرای چندین عملیات انجامید، نقش داشت که عبارت بود از: ضرورت تداوم جنگ و جلوگیری از ایجاد رکود در آن، حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن، گشودن جبهه جدید برای دشمن در منطقه غرب کشور و تجزیه قوای آن، کاهش حساسیت دشمن به منطقه جنوب، گرفتن فرصت از دشمن برای یافتن راهکارهای جدید در جبهه‌های جنوب، انهدام برخی تأسیسات اقتصادی دشمن از جمله پالایشگاه کرکوک و خطوط انتقال نفت مناطق کردنشین کرکوک به ترکیه و مشغول کردن بخشی از نیروهای دشمن در جبهه غرب (امامی، ۱۳۷۴: ۹۰ و ۹۱).

«چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به موفقیت معارضان عراقی برای پیروزی با پیشروی در عمق منطقه، دشمن نهایتاً برای مقابله به نقل و انتقال وسیع از منطقه جنوب به غرب اقدام خواهد کرد و این امر به‌منزله فراهم شدن مقدمه اجرای عملیات در جنوب خواهد بود؛ ضمن اینکه جبهه‌های جدیدی در شمال غرب در برابر دشمن گشوده خواهد شد و بخشی از نیروها و فرماندهی دشمن را تجزیه خواهد کرد» (درویدیان، ۱۳۸۴: ۱۸۷) بر پایه همین تدبیر، سپاه به تشکیل قرارگاه رمضان در غرب (کرمانشاه) و گسترش ارتباط با معارضان کرد عراقی و سازماندهی و تجهیز آن‌ها اقدام کرد. در این مقطع روابط ایران با حزب اتحادیه میهنی نیز بعد از سال‌ها فراز و نشیب، بهتر شد و به‌این ترتیب اتحادی از احزاب و گروه‌های مختلف کرد و حتی عرب معارض با صدام با محوریت و نظارت ایران شکل گرفت و از سال ۱۳۶۴ تا آخر جنگ عملیات‌های جنگی متعددی در همراهی با نیروهای ایرانی و با هماهنگی قرارگاه رمضان انجام دادند. نکته اساسی در مورد بیشتر عملیات‌ها در غرب این بود که ایران در بیشتر آن‌ها از شیوه تک نامنظم

استفاده می‌کرد و این شیوه برگرفته از تجربه‌اش در مقابله با شورش احزاب دموکرات و کومله و نیز تجربه مبارزاتی کردهای عراقی در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در برابر ارتش بعثی عراق بود (پشنگ، ۱۳۹۲: ۲۱۶) از میان این عملیات‌ها که با همکاری نیروهای ایرانی و کرد عراقی انجام شد، مهم‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها عملیات والفجر ۱۰ بود که در اینجا به‌طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود. این عملیات از محدود عملیات‌های گسترده در جبهه غرب بود. روش دو طرف در طول جنگ این بود که هر یک در طول سال یک عملیات بزرگ را در کنار چند عملیات کوچک و محدود انجام می‌دادند. با توجه به اهمیت منطقه جنوب و تمرکز نیروهای طرفین در آن منطقه، عمده تهاجمات بزرگ سالانه ایران و عراق در این جبهه رخ می‌داد؛ اما در سال ۱۳۶۶ ایرانیان برخلاف روش پیشین، این بار عملیات بزرگ سالانه خود را در جبهه شمال برنامه‌ریزی کردند؛ زیرا در جبهه جنوب به دلیل تثبیت مواضع طرفین، امیدی به گشایش عملیات بزرگ و تأثیرگذار نبود؛ بنابراین جبهه شمال و منطقه کردستان عراق در اولویت طراحان نظامی ایران قرار گرفت. این عملیات با شرکت ده لشکر، هشت تیپ و سپاه چهارم بعثت کرمانشاه به همراه پیشمرگان دو حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی و نیروهای عرب مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در ۱۵ مارس ۱۹۸۸ برابر با ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ در پنج مرحله زمانی زنجیروار آغاز شد. در آن سوی میدان ۲۸ تیپ پیاده، زرهی، مکانیزه، کماندو و مخصوص عراقی در منطقه حضور داشتند. منطقه عملیات شرق استان سلیمانیه و هدف آن تصرف شهرهای حلبچه، طویله، بیاره، دو جیله و خرما بود (درویدیان، ۱۳۸۴: ۲۲۴ تا ۲۳۰) چهار مرحله اول عملیات تقریباً با موفقیت انجام شد و شهرهای خرما و دو جیله و روستاها و ارتفاعات اطراف شهر حلبچه و نوسود به تصرف نیروهای ایرانی درآمد. نیروهای عراقی که از تهاجم گسترده ایرانیان غافلگیر شده و از همکاری و همراهی گسترده پیشمرگان کرد عراقی که دامنه همراهی آن‌ها به مردم شهرهای کردنشین نیز سرایت کرده بود بشدت خشمگین بودند در روز ۲۶ و ۲۷ اسفند به بمباران شیمیایی شهر حلبچه و برخی روستاها و مناطق اطراف اقدام کردند. بر اثر این بمباران بیش از ۵۰۰۰ شهروند عمدتاً غیرنظامی در ظرف کمتر از یک ساعت کشته شدند و بیش از ۷۰۰۰ نفر دیگر مصدوم شدند که بسیاری از آن‌ها در سال‌های بعد بر اثر این مشکلات جان خود را از دست دادند (کلی، بی‌تا: ۳۹) از جمله پیامدهای دیگر حمله شیمیایی عراق به مناطق کردنشین عراق، خروج مردم بی‌پناه کرد از خانه و کاشانه‌شان و موج گسترده مهاجرت به مرزهای ایران و ترکیه بود. حسن، ارکان (۱۳۹۳) چهار روز بعد از بمباران حلبچه، مرحله پنجم عملیات والفجر ۱۰ نیز انجام شد و شهر حلبچه و ۱۹ نقطه حساس دیگر به تصرف نیروهای ایرانی و پیشمرگان کرد عراقی درآمد. در مجموع در نتیجه این عملیات گسترده حدود ۱۲۰۰ کیلومترمربع که عمدتاً خاک عراق بود به تصرف نیروهای ایرانی درآمد. بسیاری از تأسیسات نظامی و ادوات جنگی عراق منهدم شد و ۵۴۴۰ نفر از نیروهای عراقی به اسارت ایرانی‌ها درآمدند (پشنگ، ۱۳۹۲: ۲۴۴ و ۲۴۹) امام خمینی (ره) بعد از اجرای موفق آمیز این عملیات گسترده و مشترک، پیام تبریکی را برای رزمندگان ایرانی و پیشمرگان و مردم کرد عراقی ارسال کردند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۵۰/۱/۲۰).

۱۲- روابط اسرائیل با کردستان عراق و عکس‌العمل جمهوری اسلامی ایران

تحولات ژئوپلیتیکی منطقه و تلاش جدید کردها برای دستیابی به استقلال در پرتو شرایط جدید، فرصت مناسبی برای حضور اسرائیل در مناطق شمالی عراق فراهم نمود تا با حمایت از کردها و تشویق آن‌ها به استقلال زمینه را برای تجزیه عراق و تعقیب و تحقق ادعاهای ارضی خود در این سرزمین فراهم نماید. طرح شعارهای "اسرائیل بزرگ" و "سرزمین مقدس نیل تا فرات" ابعادی از ماهیت ادعاهای ارضی اسرائیل و اهداف استراتژیک آن را آشکار می‌سازد. چنین ادعاهایی که مدت‌ها قبل از تشکیل دولت اسرائیل در میان صهیونیست‌ها مطرح بوده است، اکنون و پس از سرنگونی صدام با طراحی دقیق‌تر و جدیت بیشتر از سوی اسرائیلی‌ها پیگیری می‌شود. آن‌ها مدعی هستند که خداوند به یهود به‌عنوان قوم برگزیده وعده حاکمیت بر تمامی مناطق واقع میان منطقه مصر (وادی العریش) و شط بزرگ (شط فرات) را داده است. بگین معتقد بود: «سرزمینی را که خداوند به یهود وعده داده، از رود نیل تا فرات گسترده است و خواستار باری امریکا برای تسلط بر این مناطق بودم» (گارودی، ۱۳۷۷: ۴۲) از این‌رو، این آرمان همواره در رأس برنامه‌های رهبران اسرائیل قرار داشته است و امروز حضور آن‌ها در مناطق شمالی و کردستان عراق با اندیشه تصاحب سرزمین بین‌النهرین به‌عنوان یک هدف استراتژیک در طرح‌های صهیونیسم سیاسی و دینی تلقی می‌گردد.

ایران از منطقه کردنشین عراق به اسرائیلی دیگر یاد می‌کند و نگران حضور اسرائیل در این منطقه است. موفقیت کردهای عراق در کسب استقلال یا تشکیل دولتی جدید باعث تشویق کردهای ایران در گسترش تلاش‌های جدایی‌طلبانه و استقلال خواهانه آن‌ها شده و یا امکان پیوستن آن‌ها به کردهای عراق را مطرح نیز می‌سازد (Pasko، ۲۰۰۴). به همین دلیل وجود اسرائیل در کردستان عراق برای ایران خوشایند نیست اسرائیل در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی، مایل به قطع رابطه با ایران نبود و جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران، زمینه و بستر مناسبی را برای این رابطه فراهم آورد، اما رفتار و الگوی سیاست خارجی ایران با تأکید بر ارزش‌های اسلامی در برخورد با رژیم اسرائیل همچنان باقی بود. در آن زمان بسیاری از متصدیان اسرائیلی بر این باور بودند، از آنجاکه برقراری صلح با کشورهای عربی غیرممکن است، در نتیجه اسرائیل باید پیوندها و ارتباطاتش با ایران را ادامه دهد؛ اما مذاکرات صلح نشان داد که برقراری صلح با اعراب غیرممکن نیست. از این زمان است که اسرائیل رویکرد جدیدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نمود. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م فرصت مناسبی را در اختیار اسرائیل قرار داد تا دشمنی خویش با

ایران را تشدید نماید. از نظر اسرائیل، محیط بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، این امکان را فراهم کرده تا این رژیم مبارزه خود با فعالیت‌های حماس و حزب‌الله را از مرزهای اسرائیل و حتی خاورمیانه فراتر برده و در سطح بین‌المللی آن را دنبال کند. هدف اصلی، حذف دولت‌هایی بود که از این گروه‌ها حمایت می‌کنند یعنی ایران، سوریه و عراق ۳۱ در نهایت بعد از سرنگونی رژیم به‌ظاهر ضد اسرائیلی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ م، ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای، دشمن اصلی اسرائیل تلقی شد. بارتولدا، ویلهلم (۱۳۸۶).

جمهوری اسلامی ایران اعتقادات اساساً جوهری انسانی، ضد سلطه و ظلم‌ستیز دارد، بر همین اساس اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی برخلاف موجودیت نژادپرستانه‌ی رژیم اسرائیل است. در این زمینه امام خمینی (ره) طرح تشکیل دولت اسرائیل و شناسایی این رژیم را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انتحار و مخالفت با آن را فریضه بزرگ اسلامی برشمردند و ضمن تأکید بر قطع رابطه با رژیم اسرائیل و اعلام حالت جنگ بین مسلمانان و این رژیم، هرگونه رابطه‌ی سیاسی، تجاری و نظامی را با این رژیم حرام اعلام کردند، چراکه از نظر ایشان، این رژیم نامشروع، غاصب و دشمن تمامی مسلمانان جهان است (حسینی مقدم، ۱۳۸۱: ۵۲).

ایران همچنین در ارتباط با دولت‌های منطقه سعی و تلاشش این است که روابط مستحکمی داشته باشد تا مانع نفوذ دولت اسرائیل شود. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا اعلام کرد که سیاستش مبنی بر عدم مشروعیت اسرائیل قرار دارد و بر این باور است که اسرائیل باید از روی زمین محو شود. از این‌رو، طبیعی است که تلاش ایران در عرصه‌های مختلف بین‌المللی بر محور تضعیف موقعیت بین‌المللی اسرائیل باشد. مهم‌ترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه برای تضعیف رژیم اسرائیل نگاه‌داشتن این رژیم در مرزهای خود بوده است. از یکسو ماهیت انقلابی و ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر فاصله جغرافیایی ایران و اسرائیل، موجب شده که ایران برای مقابله عملی با رژیم اسرائیل به فعالیت غیرمستقیم نه‌تنها در اطراف اسرائیل عمدتاً در لبنان (بلکه درون سرزمین فلسطین (کرانه باختری و نوار غزه) بپردازد. به دلیل تأثیری که شیعیان لبنانی و همچنین گروه‌های اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران گرفته بودند، بهترین راهبرد برای ایران این بود که این گروه‌ها را در مقابله و منازعه با رژیم اسرائیل تقویت نماید. همچنین ایران برای مقابله با رژیم اسرائیل، به برقراری نوعی اتحاد با کشور سوریه اقدام کرد. یکی از اهداف عمده اتحاد راهبردی ایران با سوریه، تقویت این کشور در مقابل رژیم اسرائیل است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). به همین دلیل هم ایران در باب کردستان عراق این اندیشه را دارد که مانع استقلال کردستان عراق شود و از سوی دیگر تمام تلاش خود را برای ارتباط دوستانه با کردستان عراق انجام می‌دهد. آذرمی دخت مشایخ فریدنی، (۱۳۶۹)

۱۳- نتیجه گیری

کردستان عراق در واقع قلب کردستان بزرگ محسوب می‌شود، چراکه از طرفی حلقه ارتباطی میان کردستان ایران با شرق کردستان یا کردستان ترکیه هست و از طرف دیگر با مناطق کردنشین سوریه نیز که عربی‌ترین مناطق کردنشین را تشکیل می‌دهند، دارای مرز مشترک است. این قسمت از کردستان از نظر جغرافیایی طبیعی سرزمین کوهستانی و مرتفع است که قسمت‌هایی از آن پوشیده از جنگل است که سلسله میان زاگرس در غرب ایران به سوی کوهستان‌های ترکیه امتداد می‌یابد. بلندترین و مرتفع‌ترین قله آن حصار است که در رشته‌کوه هلگورد واقع است که به مسیر استراتژیک هامپلتن واقع در نزدیک مرز ایران مشرف است و ۳۷۲۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد مساحت تمامی گستره‌ی جغرافیایی کردستان عراق ۷۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. مهم‌ترین شهرهای این منطقه کرکوک، اردبیل، سلیمانیه، دهوک، نینوا، دیاله، واسط و از میان شهرهای مذکور کرکوک به سبب قرار گرفتن در مرکز حوزه‌های مهم نفت‌خیز عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است دولت عراق برای برهم زدن تجانس قومی و فرهنگی مردم این منطقه و تنهاست که با در پیش گرفتن سیاست عربی کردن حوزه کرکوک در تلاش است تا ترکیب جمعیتی موجود را با انتقال اعراب از نواحی مرکزی و جنوبی به این منطقه به نفع اعراب دگرگونی ایجاد نماید و اعمال انواع فشارها و محدودیت‌ها کردهای مقیم کرکوک را به ترک سرزمین آباء و اجداد خود وادارد. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)

با به قدرت رسیدن صفویان در ایران، ایلات و عشایر کرد که از ۸۰۰۰ هزار سال پیش در غرب ایران و همسایگان غربی ایران زندگی می‌کردند. نقش مهمی در تحولات این منطقه داشتند این قوم به‌منزله گروهی ویژه برای حکومت‌های ایران (صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران) و همسایگان منطقه‌ای (عثمانی و عراق) و فرا منطقه‌ای (انگلیس، آمریکا و اسرائیل) به‌حساب می‌آمدند؛ نیرویی که می‌توانست توازن قوا را به نفع هر حکومتی رقم بزند؛ اما مهم این است که از میان این حکومت‌ها کدامیک بهتر یا، به عبارتی، باسیاستی عاقلانه‌تر از ایلات و عشایر کرد به نفع خود سود می‌جویند. حکومت‌های ایرانی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دنبال این هستند که از ایلات و طوایف کرد به نفع خود بهره ببرند و البته در جهت جلب ایلات کرد دست‌به‌کارهایی می‌زنند؛ ازجمله، انتخاب سران ایلات به فرماندهی سپاه یا برگزیده شدن برای حکومت ولایات مختلف و یا انتخاب افراد لایق به‌عنوان مشاور و راهنما، حمایت‌های تسهیلاتی، تجاری. همان‌طور که اشاره شد، دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به‌ظاهر پرچمدار مذهب تسنن بود و خود را مدافع این مذهب می‌دانند و در مقابل حکومت‌های ایرانی نیز خود را رهبران تشیع می‌نامیدند. این در حالی است که گروهی از کردها مذهب تسنن داشتند و از آنجایی که دولت‌های ایرانی در برخی از مواقع (عصر صفویه) بر

آن‌ها سخت می‌گرفتند، این مردمان، در مقابل، ناآرامی و سرکشی می‌کردند و یا به دشمن حکومت‌های ایرانی، گرایش پیدا می‌کردند. با این همه، ایلات کرد، بارها، به‌عنوان نیرویی کارآمد به کمک حکومت‌های ایرانی شتافتند. این قوم، چه در نواحی غربی و شرقی و چه در سرکوب شورش‌های داخلی بر ضد حکومت‌های ایرانی اقدامات بسیاری را از خود به نمایش گذاشتند؛ هرچند در هر دوره از تاریخ سیاسی ایران شرایط خاص خود را داشتند. نمونه این اتفاقات در زمان شاه‌عباس صفوی بود که کردها در مرزهای عثمانی به‌عنوان مدافعانی لایق عمل کردند و در این مناطق رشادت‌های زیادی را از خود به یادگار نهادند. یا در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از انقلاب اسلامی دفاع کردند اگرچه، همان‌طور که بیان شد، گاهی نیز به‌عنوان متحد قدرت‌های دیگر و علیه ایران می‌جنگیدند. از طرف دیگر محیط و شرایط بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی متفاوت، عملکرد سیاست خارجی ایران را در قبال کردهای عراق در دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ متأثر ساخته است، اما با وجود این، هم تفاوت‌هایی در این ارتباط قابل‌درک است و هم اینکه نقاط مشترکی یافت می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، سیاست خارجی ایران با برخورداری از حمایت آمریکا و موقعیت و منزلت منطقه‌ای مناسب مشترک خود و ابرقدرت حامی، سیاست کمک به کردها را پیش گرفت و سپس با اخذ امتیاز از دولت عراق، مصالحه سیاسی با بغداد را پذیرفت؛ اما در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هم شرایط و محیط بین‌المللی و هم وضعیت منطقه چندان مساعد نبود و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای تنش‌زدایی در سطح جهان، علی‌رغم برخی موفقیت‌ها، به‌طور کامل نتوانسته است در عرصه عمل دستاورد سیاسی ملموسی در ارتباط با منطقه کسب نماید. البته در دهه گذشته موفقیت‌های ایران در عرصه سیاست خارجی خود در منطقه و مبارزه با گروه‌های تروریستی داعش در عراق بسیار امیدوارکننده بوده و هم‌اکنون ایران یک قدرت تأثیرگذار در منطقه است از این‌رو، شکل‌گیری و رقم خوردن آینده عراق بدون رعایت منافع ایران، یک نگرانی اساسی در میان متصدیان سیاست خارجی در تهران می‌باشد. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و به‌عنوان کانون ارتباط مناطق خاورمیانه و خلیج‌فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب آسیا، با وجود گشایش محیطی به مدد فروپاشی شوروی و سیاست تنش‌زدایی رهبران جمهوری اسلامی ایران، از ناحیه افغانستان و عراق احساس نگرانی می‌کند. تداوم وضع موجود در مورد این دو کشور چندان مطلوب نیست، اما اگر روند تحولات هدایت‌شده از خارج، آن را به‌سوی وضع نامطلوب‌تری هدایت کند، آنگاه جمهوری اسلامی ایران خود را در محیط امنیتی خطرناک‌تری خواهد یافت. پیوستگی مهم سیاست خارجی ایران در دوره مورد بحث، تأکید بر تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق است و ایران حاضر نیست که عراق دچار تجزیه شود، چراکه از نظر دولتمردان تهران، با توجه به نقش بازیگران بین‌المللی دیگر و نیز ناپایدار شدن مرزهای رسمی در منطقه، پیامدهای آن در پرده ابهام قرار دارد.

۱۴- منابع

- آذرمی دخت مشایخ فریدنی، (۱۳۶۹) *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور*، تهران امیرکبیر
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- امامی، محمد علی (۱۳۷۴)، *بررسی روابط سیاسی سوریه و عراق در دهه ۱۹۸۰*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بارتولد، ویلهلم (۱۳۸۶). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم. تهران: انتشارات توس.
- توکلی، تهران: انتشارات توکلی.
- اردلان، شیرین (۴۹۱۱). *خاندان‌های کرد در تالاقی امپراتوری‌های ایران و عثمانی*، ترجمه مرتضی
- برزوی احمد یاغی، اسماعیل (۱۳۷۹). *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه رسول جعفریان. چاپ اول. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاهی،
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۴۰). *ایران در زمان صفویه*، چاپ اول. تبریز: انتشارات چهره.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۳۰). *بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲) *کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۴۰). *ایران در زمان صفویه*، چاپ اول. تبریز: انتشارات چهره.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲). *ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه*. تهران دانشگاه امام صادق (ع).
- حسن، ارکان (۱۳۹۳). *مناسبات ایران با کردهای عراق در جنگ ایران عراق (شهریور ۱۳۵۹ - مرداد ۱۳۶۷/ سپتامبر ۱۹۸۰ - اوت ۱۹۸۸)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲). کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل..
- گارودی، روزبه (۱۳۷۷). *اسطوره‌های بنیانگذارسیاست اسرائیل*، ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی، تهران: گوهر شاد.
- نامی، محمد حسن. (۱۳۸۷)، "جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک"، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حسینی مقدم، محمد (۱۳۸۱). «*راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق*» تهران: فصلنامه نگین ایران، شماره ۳
- عبدی، عبدالله. محمد. رئیس السادات، دارابی (۸۳۹۶). "بررسی تاریخ معاصر کردها در ایران"، فصلنامه جغرافیایی ایران، سال ۱۵، شماره ۵۳.
- فیروز آبادی، جلال. خدیبری، خضر (۱۳۹۲)، "تأثیر ژئوپلیتیک کردستان عراق بر سیاست خارجی آمریکا در عراق"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۶.

Cultural and historical background of Iran's relations with Iraqi Kurdistan from the Qajar period to the present

The people of present-day Iraqi Kurdistan, who are of Aryan descent and of Iranian origin, have been part of the history and culture of Iran since 8000 years ago, and the people have always maintained linguistic, racial, religious, political and social ties with the Iranian people and governments. And the Iranian governments have always considered this region as a part of their ancient history and culture and have been by their side in all the bitter and sweet events that happened to them. With the rise of Safavid power in the early tenth century AH (907 AH) to the present day (1398 Islamic Revolution of Iran) in Iran, this region played a key role in Iran's internal developments and foreign relations with neighboring Ottoman states, Iraq, Israel and Israel. It has played beyond the US and Britain, and although some of the previous Iranian governments have been politically separated from the central government of Iran due to their weakness, they have maintained their relations with Iran, so the Islamic Republic of Iran It has always been a supporter of these people and is sensitive to developments in the region, although it considers Iraqi Kurdistan a part of a unified Iraq and does not welcome the creation of an independent Kurdish state that would change the region's political geography.

Keywords: Iran, Iraq, Kurdistan, culture, history